زاویه

ترامپ، آمریکا و برجام

مجید سلیمی‌بروجنی
کارشناس اقتصادی

در چند دهه اخیر، ایران یک جایگاه ویژه و استراتژیک در سیاست‌های ایالات متحده آمریکا داشته است.

ناکامی جیمی کارتر در دومین دور انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش و دلیل ترک زودهنگام کاخ سفید وی را به بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ نسبت داده‌اند و در موردی دیگر، آرای دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ریگان به‌طور درخورتوجهی متأثر از ماجرای محفوری ایران - کنترا آسیب دیده بود. در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا نیز موضوع ایران و توافق برجام به یک منازعه طولانی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان تبدیل شده بود. در طول مناظرات میان هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ بارها شاهد بودیم که ترامپ، دولت اوباما را در قبال ایران و برجام مورد حمله قرار داد و اعلام کرد آمریکا در برابر ایران همه چیز را از دست داد.

البته نباید فراموش کنیم که صحبت‌های ترامپ پس از انتخابش به عنوان ریاست‌جمهوری جدید آمریکا، تا حد زیادی معتدل شد و در جدیدترین اظهارنظرش اعلام کرده توافق هسته‌ای را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که ایران را از هر فعالیت هسته‌ای دور نگه دارد. در چند روز اخیر بحث تمدید تحریم‌های ۱۰ساله از سوی سنای آمریکا و اثرات آن بر برجام و نفض آن، به یک چالش جدی در محافل سیاسی و اقتصادی جهانی تبدیل شد.

این حرکت سنای آمریکا در کنار انتخاب ترامپ، بسیاری از کارشناسان را به آینده برجام نگران کرده است. متأسفانه در چندماه گذشته، پیشرفت برجام و حل مشکلات بانکی ایران و سایر کشورها و ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشورمان، حال‌وروز چندان خوشی نداشته و ما نتوانستیم به حرکت مورد انتظار در این زمینه برسیم.

به‌طور حتم باید از توقف مسیر پیشرفت در راستای برجام نگران بود، به این دلیل که چنین اتفاقی نمی‌افتد، اما نکته این است که حرکت ما در این مسیر کند است. اقتصاد ایران برای دنیا جذابیت‌های خاصی دارد.

بازار ایران هیچ‌همین بازار جهانی از نظر حجم اقتصادی است و درنهایت باید امیدوار بود که شرایط بهتر صورت می‌گیرد، اما نه با سرعتی که مورد انتظار ماست.

نباید فراموش کنیم تحریم‌هایی که به‌تازگی سنای آمریکا آن را برای یک دوره ۱۰ساله تمدید کرد، در سال ۱۹۹۶ و در زمان دولت بیل کلینتون تصویب شد. به اعتقاد کارشناسان، عمل این تحریم‌ها موضوع توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ نبوده است. تجربه نشان داده سابقه نداشته که دولت آمریکا توافق‌نامه‌ای امضا کند و دولت بعدی بدون دلیل آن را بشکند. ممکن است ترامپ بشکند و ممکن است نکند دارد، اما در چند روز اخیر دیدیم که سایبون و دونلدترامپ سابق آمریکایی به ترامپ تبریک گرداند در حفظ برجام بکوشد و به آن وفادار بماند. متأسفانه پس از تصویب سنای آمریکا، مخالفان دولت تمام تلاششان بر این بود که با فشار به کنگره، ترامپ را مجبور به لغو و دولت را بی‌کفایت نشان دهند و به‌گونه‌ای دولتمردان را به سمتی سوق دهند که به سمت نقض برجام بود.

نباید فراموش کنیم که بسیاری از دشمنان خارجی ما، ماه‌هاست که منتظر چنین حرکتی از سوی ایران هستند تا بلافاصله ایران را آماج حملات خود قرار دهند و بار دیگر به جهانیان بگویند که ایران قابل اعتماد نیست.

پس بجاست که دولت تدبیر و امید با درایت کافی و تحلیل شرایط موجود، دراین‌مورد تصمیم‌گیری کند. ما نباید فراموش کنیم که ترامپ یک بازرگان است و به‌همین‌دلیل یک تاجر هیچ‌کاره نمی‌خواهد سازی را بیازد. بلکه همواره سعی می‌کند در مذاکره برای خود را حداوقصد کند. اوج و افتهای به اهداف موردنظش دست یابد. خصلت یک تاجر عتدا همین است و به هیچ عنوان دنبال برهم‌زدن مسائل به‌خاطر منافع خیلی نیست.

حتی برخی مواقع مسائل به‌دست ما به دلیل قوی‌بودن طرف مقابل کوتاه هم بیاید.

در کنار این مسائل، باید تلاش کنیم روابطمان را با اروپا قوی‌تر کنیم. پس وقتی امور را از ابعاد مختلف به‌درستی پیش ببریم و هدفمان تحریم‌ها در حرکت باشد، ترامپ هم به دلیل خاصیت بازرگانی‌اش، مجبور به تعامل با ما خواهد بود. اجرانکردن برجام و تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران نیز در مجموع به ضرر آمریکا خواهد بود؛ هرچند رشد و توسعه اقتصادی ایران را هم می‌تواند برای یک، دو سال دُچار کند.

دلیل این است که به نکته به ابعادی برجام و به‌ویژه پیش قدرت بزرگ سیاسی و اقتصادی غیر از آمریکا خطا را اجرای معاهده برجام از سوی ایران، روال سیاسی - اقتصادی این کشورها کسترش یافته و به‌تدریج مراودات مالی با مراکز مالی دنیا (نیز کشورهای) روان‌تر و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و تجارت خارج از کشور به همتدسان مهم اقتصادی به جز آمریکا توسعه یافته و درعین‌حال شرکت‌های آمریکایی از حضور در بازار جذاب ایران به خصوص نفت و گاز محروم خواهند شد که خود می‌تواند فشاری روی دولت آمریکا برای تغییر سیاست‌های آن دولت مقابل ایران شود.

اگرچه انتخاب چهره‌های تند در ایران مخالفت با ایران از سوی ترامپ، چیشه‌زدا روشنی را از نحوه تعاملات غیررسمی میان ایران و آمریکا نشان نمی‌دهد. اما درعین‌حال نباید فراموش کرد که ترامپ میش از آنکه رفتارهایش بر بنیادهای نظری بنا شده باشد، متکی بر عملکرد کاسبکارانه و سنجش هزینه و منفعت تصمیمات است. این مهم شاید از کار با تعامل غیررسمی با او راحت‌تر از تعامل با دیوارکشی‌های بیش‌برد. چنانچه در قبال رکنان نیز ایران تجربه بهتری از روابط غیررسمی داشت و دوران کارتر.

درحال‌حاضر شش ماه باقی‌مانده تا دوازدهمین ریاست‌جمهوری کشورمان فرصت باقی مانده و ترامپ است از چند هفته دیگر وارد ساختمان کاخ سفید می‌شود.

در این چند ماه حساس، تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند سرنوشت چهار و حتی هشت‌ساله آینده رفتارهای سیاسی دو کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.

ازاین‌رو شاید با وجود فقدان روابط رسمی بتوان با ابتکارهایی با استفاده از سوءتجهیز رفتاری منطقه‌ای مانند عربستان و خردکه‌شورای جنوب خلیج فارس جلوگیری کرد.

انتخاب دانشگاه بین رئیس‌جمهوری که می‌خواسته اما نتوانسته و آن که نمی‌خواهد، روشن است

غلامرضا ظریفیان در گفت‌وگو با «شرق»:

عکس: آیدین رهبر شرق

حامد طیبی

امسال هم روزهای منتهی به روز دانشجو با ترافیک برنامه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها مواجه بود؛ موضوعی که در سه سال دولت یازدهم، هر سال شرایط بهتری پیدا کرده است. بماند که سخنان رئیس‌جمهور در روز دانشجو با تأویل‌های مختلفی همراه شد. اما فضا به گونه‌ای بود که هرچند جهرهای فعال جریان اصلاحات بـاز هم از تریبون‌ها دور ماندند. اما مخالفان دولت به‌ویژه در تهران هرچه دل تنگشان خواست گفتند و کسی برنامه آنان را به هم نزد. فضای کلی دانشگاه در شرایط امروز و شرایط آرمانی نهاد دانشگاه و فعالیت‌های دانشجویی، موضوع گفت‌وگوی «شرق» با غلامرضا ظریفیان است. معاون وزیر علوم دولت اصلاحات، از جمله فعالان سیاسی است که سال‌ها کرسی استادی تاریخ دانشگاه تهران را در اختیار داشته و به‌خوبی فراز‌وفرودهای جریانات دانشجویی را در این سال‌ها رصد کرده است.

■ جر سال در ماه آذر، معمولا فضای سیاسی کشور تحت‌تأثیر روز دانشجو و مراسم آن قرار می‌گیرد. امسال هم از دو روز مانده به روز یا تک روزبی از آن. برنامه‌هایی در راسر کشور برگزار شد و به‌جز چند مورد، جهرهای شـاخص طیف‌های سیاسـی با حضور در میان دانشجویان یا آنها سـخن گفتند. به نظر شما، این معدود اتفاقات را می‌توان عامل تأیید نشاط سیاسی در دانشگاه‌ها دانست؟

نفس اینکه در این ایـام روی موضـوع دانشـجو و فعالیت‌های دانشـگاه، تمرکز صورت می‌گیرد و شاهد تراکم گفت‌وگوها، صحبت‌ها و برنامه‌ها هسـتیم، از یک زاویه اهمیت این روز را می‌رساند که بعد از ۳۶ سـال، روز دانشجو شـکل نمادین خود را از دست نداده و جریانات دانشجویی توانسـته‌اند تبار خود را حفظ کنند. البته جنبش دانشجویی در ایـران قدمتی فراتر از سـال ۳۲ دارد، اما به‌هرحال میراث ۱۶ آذر ۳۲ و عرینه‌گاه این میراث، موضوعی اسـت که دانشجویان در این بیش از نیم‌قرن، همواره به آن توجه کرده‌اند. آن جـه پیش از انقلاب به تغییر سـاختار قدرت اهتمام داشـتند و جه پس از انقلاب که اصلاح‌گری را دنبـال کرده‌اند، همواره بـه ذات خود توجهی ویژه داشـته‌اند و این از دانشـ‌های جریان دانشـجویی در ایـران اسـت. اما پاسـخ به سؤال شـما از زاویه دیگر، حکایت از یک ضعف اسـاسـی در فضای اجتماعی دانشگاه‌ها دارد. به‌نظر می‌رسد تراکم برنامه‌های دانشجویی در حوالی روز دانشجو، نوعی جبران کم‌توجهی اسـت که مدیریت‌های ارائه می‌کنند که دانشـجویان باید مواردی الزامی را بلد بگیرند و البته به اسـاس دیرافت مدرک مهندسـی. این یک رویکرد غلط اسـت که در زمینه‌هایی مانند آب وجود نیـاز نیوده‌اند اسـت. مسائل آب محلی و بسیار وابسته به زمان هستند و راه‌های از پیش تعیین‌شده عـدتا بیراهی‌اسـت که بیشـتر به جای «نگه‌داشتن قناتی روی آب، آن را غرق می‌کند».

در وهله بعد دانشگاه نیاز دارد از حلقه بسته تولید و بازچرخش علم در داخل محیط‌های دانشگاهی بیرون آید و روش حل مسئله آب را باید به زبانی سـاده‌تر(تر) در دسترس همکاران قرار دهد؛ البته این تعبیر مسـیر به تشـویق نیاز دارد؛ بنابراین روش‌های فعلی ارتقا در دانشـگاه‌ها باید جهرچیشـتر و پاسـخ‌محور باشـد و روش‌های آموزشی که روبط مسـتقیمی به بهبود زندگی مردم دارد که بخرود.

■ در ۱۶ آذر امسـال، دفـاع از حق پرسـشـگری دانشـجویان و مطالبه‌گری از مسئولان، زیاد شنیده شد. مخالفان دولت که مهمان چند تشکل خاص بودند، از دانشجویان نزدیک به خود می‌خواستند دولت روحانی را مورد پرسـش قرار دهند. اصلاح‌طلبان و مهمانان دانشـگاهی نیز ماشد گذشته، حق پرسشگری دانشـجویان از همه نهادها را مورد تأکید قرار دادند. این اتفاق در جهت هم افاده اسـت؟

البته بیان این موضع در مظاهر حرف هم خوشحـالی داده و حق مدنی ایجاد شـده است. تا دیروز یک جریان خاص سیاسـی، دانشگاه تابع و به پیشرو می‌خواستند. دانشگاه پیشرو پرسشگر اسـت و این پرسشگری را مطعوظ به نهاد علم و عقلانیت می‌کند. اگر برخی اقوام و جریان‌های خاص، واقعا حق پرسـشگری دانشجویان را به رسمیت شناخته‌اند نیز باید پاسـخ را نیز معطوف به نهـاد علم بدانند. اما برای پاسخ به این مطالبه، نیاز به سـازوکارهای مناسب داریم که عمده آنها فراهم نیسـت. فقدان، آیین‌نامه‌ها و منطق اتمام این مدتواولی اسـت اما در دنیای امروز، بسـیاری از امور علمی در حوزه و سیاسـت‌ها رجوع‌ا جریان می‌کنند و برای حل این مشکل مگر آنکه بپذیریم دانشگاه یا دیالمسیم و مکانیسم خود و جوهر ذاتی خود مدیریت شـود و این دانشـگاه می‌تواند به مناقع عمل کمک کند. در همه‌جای دنیا دانشـگاه‌ها در تنجیع جامعه عیشت اما در دولت نیسـتند. دولت‌ها سـازوکارها و خودکاری و فعالیت‌های فرودانشـگاهی و حتی نقدهای جدی را به رسمیت می‌شناسند. اتکاه

محمدرضا نیکبخت
عضو هیات علمی دانشگاه تهران

امسال هم روزهای منتهی به روز دانشجو با ترافیک برنامه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها مواجه بود؛ موضوعی که در سه سال دولت یازدهم، هر سال شرایط بهتری پیدا کرده است. بماند که سخنان رئیس‌جمهور در روز دانشـجو با تأویل‌های مختلفی همراه شـد. اما فضا به گونه‌ای بود کـه هرچند جهره‌های فعالی جریان اصلاحات بـاز هم از تریبون‌ها دور ماندند. اما مخالفان دولت به‌ویژه در تهران هرچه دل تنگشان خواسـت گفتند و کسـی برنامه آنان را به هم نزد. فضای کلی دانشگاه در شرایط امروز و شرایط آرمانی نهاد دانشگاه و فعالیت‌های دانشجویی، موضوع گفت‌وگوی «شرق» با غلامرضا ظریفیان است. معاون وزیر علوم دولت اصلاحات، از جمله فعالان سیاسی است که سال‌ها کرسی استادی تاریخ دانشگاه تهران را در اختیار داشـته و به‌خوبی فراز‌وفرودهای جریانات دانشجویی را در این سال‌ها رصد کرده است.

■ جر سـال در ماه آذر، معمولا فضای سیاسی کشور تحت‌تأثیر روز دانشجو و مراسم آن قرار می‌گیرد. امسال هم از دو روز مانده به روز یا تک روزبی از آن. برنامه‌هایی در راسـر کشـور برگزار شد و به‌جز چند مورد، جهرهای شـاخص طیف‌های سیاسـی با حضور در میان دانشـجویان یا آنها سـخن گفتند. به نظر شما، این معدود اتفاقات را می‌توان عامل تأیید نشاط سیاسی در دانشگاه‌ها دانست؟

نفـس اینکـه در این ایـام روی موضـوع دانشـجو و فعالیت‌های دانشـگاه، تمرکز صورت می‌گیرد و شاهد تراکم گفت‌وگوها، صحبت‌ها و برنامه‌ها هسـتیم، از یک زاویه اهمیت این روز را می‌رساند که بعد از ۳۶ سـال، روز دانشجو شـکل نمادین خود را از دست نداده و جریانات دانشجویی توانسـته‌اند تبار خود را حفظ کنند. البته جنبش دانشجویی در ایـران قدمتی فراتر از سـال ۳۲ دارد، اما به‌هرحال میراث ۱۶ آذر ۳۲ و عرینه‌گاه این میراث، موضوعی اسـت که دانشجویان در این بیش از نیم‌قرن، همواره به آن توجه کرده‌اند. آن جـه پیش از انقلاب که اصلاح‌گری را دنبـال کرده‌اند، همواره بـه ذات خود توجهی ویژه داشـته‌اند و این از دانشـ‌های جریان دانشـجویی در ایـران اسـت. اما پاسـخ به سؤال شـما از زاویه دیگر، حکایت از یک ضعف اسـاسـی در فضای اجتماعی دانشگاه‌ها دارد. به‌نظر می‌رسد تراکم برنامه‌های دانشجویی در حوالی روز دانشجو، نوعی جبران کم‌توجهی اسـت که مدیریت‌های ارائه می‌کنند که دانشـجویان باید مواردی الزامی را بلد بگیرند و البته به دیرافت مدرک مهندسـی. این یک رویکرد غلط اسـت که در زمینه‌هایی مانند آب وجود نیاز نیوده‌اند اسـت. مسائل آب محلی و بسیار وابسته به زمان هستند و راه‌های از پیش تعیین‌شده عـدتا بیراهی‌اسـت که بیشـتر به جای «نگه‌داشتن قناتی روی آب، آن را غرق می‌کند».

در وهله بعد دانشگاه نیاز دارد از حلقه بسته تولید و بازچرخش علم در داخل محیط‌های دانشگاهی بیرون آید و روش حل مسئله آب را باید به زبانی سـاده‌تر(تر) در دسترس همکاران قرار دهد؛ البته این تعبیر مسـیر به تشـویق نیاز دارد؛ بنابراین روش‌های فعلی ارتقا در دانشـگاه‌ها باید جهرچیشـتر و پاسـخ‌محور باشـد و روش‌های آموزشی که روبط مسـتقیمی به بهبود زندگی مردم دارد که بخرود.

■ در ۱۶ آذر امسـال، دفـاع از حق پرسـشـگری دانشـجویان و مطالبه‌گری از مسئولان، زیاد شنیده شد. مخالفان دولت که مهمان چند تشکل خاص بودند، از دانشجویان نزدیک به خود می‌خواستند دولت روحانی را مورد پرسـش قرار دهند. اصلاح‌طلبان و مهمانان دانشـگاهی نیز مانند گذشته، حق پرسشگری دانشـجویان از همه نهادها را مورد تأکید قرار دادند. این اتفاق در جهت هم افاده اسـت؟

البته بیان این موضع در مظاهر حرف هم خوشحـالی داده و حق مدنی ایجاد شـده است. تا دیروز یک جریان خاص سیاسـی، دانشگاه تابع و به پیشرو می‌خواستند. دانشگاه پیشرو پرسشگر اسـت و این پرسشگری را معطوظ به نهاد علم و عقلانیت می‌کند. اگر برخی اقوام و جریان‌های خاص، واقعا حق پرسـشگری دانشجویان را به رسمیت شناخته‌اند نیز باید پاسـخ را نیز معطوظ به نهـاد علم بدانند. اما برای پاسخ به این مطالبه، نیاز به سـازوکارهای مناسب داریم که عمده آنها فراهم نیسـت. فقدان، آیین‌نامه‌ها و منطق اتمام این مدتواولی اسـت اما در دنیای امروز، بسـیاری از امور علمی در حوزه و سیاسـت‌ها رجوع‌ا جریان می‌کنند و برای حل این مشکل مگر آنکه بپذیریم دانشگاه یا دیالمسیم و مکانیسم خود و جوهر ذاتی خود مدیریت شـود و این دانشـگاه می‌تواند به مناقع عمل کمک کند. در همه‌جای دنیا دانشـگاه‌ها در تنجیع جامعه عیشت اما در دولت نیسـتند. دولت‌ها سـازوکارها و خودکاری و فعالیت‌های فرودانشـگاهی و حتی نقدهای جدی را به رسمیت می‌شناسند. اتکاه دانشگاه برای آمدن به این مرحله جدید خـودش هم نیاز به بازکاوی و نقد دارد. یعنی بهتر اسـت فضای کنونی تحولات جدید را بشناسـد. وقتی این جنبش سـالیان دراز -حدود ۶۰ سـال- با یـک پارادایم عمل کرد وقتی می‌خواهد وارد دسـتگاه‌های معرفتی شود باید فهم درستی از خود داشته باشـد. این خودش رخوت ایجاد می‌کند. اگر رخوت به اولین اتفاق این است که امنیت زیستی می‌دهد به خطر می‌افتد. تمام مردم به‌هرحال حق دفاع‌ی دارند. شهروند ما حق دارد. ما این حرکـت کنی می‌کنیم که کوچه‌ای که برای حل صد مترل مسـکونی طراحی شده است و برای‌اساس تأسیسات شهری، آب، برق، گاز، تلفن و فاضلاب به آن داده شـده، بدفهمه بی‌مطالعه به هزار واحد مسـکونی تبدیل شود و درنتیجه همه این شبکه زیاد بـر خواهد خاسـت. اگر سیاسـت‌ها توجه نخکیان را از مسـائل بزرگ‌مقیاس به مقیاس محلی و از درات بنیادی و نانو، به مقیاس بزرگ‌تر؛ یعنی رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها، جلب کند.

ادامه از صفحه اول

به‌دنبال شیخ بهایی ۱۳۹۵

اگـر مورد سـتاد احیـای دریاچـه ارومیه و ارتبـاط آن با رهاد استانداری سـمتنا کنیم، سـایر مسائل آبی کشـور برای حل مسئله به این نهاد وصل نیسـتند. سـایر برنامه‌های دهه‌های گذشـته در ارتباط دانشگاه با صنعت آب بیـشتر یک مدیریت سـازمانی آب بوده است که آنهـا درحال‌حاضر در زمره مسـیرین بحران هسـتند؛ برنامه‌های آموزشـی که برای تقویت بدنه‌ای بود کـه ماموریت هیدرولیکی دولت را تمام کند. مثال آن دانشـگاه صنعت آب و برق وابسـته به وزارت نیرو که اکنون از برنامه قبلی نیز فاصلـه گرفته و به عنوان یک دانشـکده فنی در دانشگاه دیگری ادغام شده است. با برنامه ارائه کارشناسان و مدیران وزارت جهاد کشاورزی و نیرو به خارج از کشور که مهندسان فراوانی را آزموده کند که بعد به بدنه مدیریتی و تصمیم‌ساز دو وزارتخانه وارد شدند. در مسائل اخیر جرقه‌هایی از تغییر دیدگاه دیده شده است. متأسفانه در چندماه گذشته، پیشرفت برجام و حل مشکلات بانکی ایران و سایر کشورها و ورود سرمایه‌گذاران خارجی به کشورمان، حال‌وروز چندان خوشی نداشته و ما نتوانستیم به حرکت مورد انتظار در این زمینه برسیم.

به‌طور حتم باید از توقف مسـیر پیشـرفت در راسـتای برجام نگران بود، به این دلیل کـه چنین اتفاقی نمی‌افتـد، اما نکته این اسـت که حرکت ما در این مسـیر کند است. اقتصاد ایران برای دنیا جذابیت‌های خاصی دارد.

بازار ایران هیچ‌همین بازار جهانی از نظر حجم اقتصادی اسـت و درنهایت باید امیدوار بود که شرایط بهتر صورت می‌گیرد، اما نه با سرعتی که مورد انتظار ماست.

البته فراموش نکنیم که بسیاری از دشمنان خارجی ما، ماه‌هاست که منتظر چنین حرکتی از سوی ایران هستند تا بلافاصله ایران را آماج حملات خود قرار دهند و بار دیگر به جهانیان بگویند که ایران قابل اعتماد نیست.

پس بجاست که دولت تدبیر و امید با درایـت کافی و تحلیل شـرایط موجود، دراین‌مـورد تصمیم‌گیری کنـد. مـا نباید فراموش کنیم که ترامپ یک بازرگان اسـت و به‌همین‌دلیل یک تاجر هیچ‌کاره نمی‌خواهد سـازی را بیازد. بلکه همواره سـعی می‌کند در مذاکره به حداوقصد خود برسد و درنهایت به اهداف موردنظش دسـت یابد. خصلت یک تاجر عتدا همین اسـت و به هیچ عنوان دنبال برهم‌زدن مسائل به‌خاطر منافع خیلی نیست.

ادامه از صفحه اول

اکنون مدیریت یکی از تنگناهای دولت روحانی است. مدیریت در دانشگاه‌ها در دولت یازدهم بسـیار پایین‌تر از دولت نهم و دهم است. اما نکته اینجاست که ما با سیستم متمرکز سنگین در وزارتخانه‌های علوم و بهداشـت مواجه شـدیم. فضای ایفای نقش استادان در تعیین سرنوشت خودشـان حتی در «گروه»، در بسیاری از مراکز محدود شـد. جذب اسـتادان متمرکز شـد و دانشگاه، امکان تمشـیت امور خود از دسـت داد و بسـیاری از فعالیت‌های آماتوری دانشـجویی که نهائی نوبا بسـود مورد بی‌مهری قـرار گرفت. البته در عرصه‌هایی به‌دلیل قوت جامعه دانشـگاهی مـا با وجود بی‌مهری‌ها، فعالیت‌هایی صورت گرفت اما مهم‌ترین اتفاقی که رخ داد این بود که نهاد دانش از نهاد توسعه کشور کنار گذاشته شد. براساس گزارش مراکز جهانی به‌ویژه سازمان ملل، سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نیروی متخصص ما در سطوح مختلف از کشور مهاجرت کردند و طبق تخمین سازمان ملل، حدود ۵۰ میلیارد دلار سـرمایه انسانی از کشور خارج شد. نرخ بی‌کاری دانش‌آموختگان در کشور نیز دورقمی شده و به نزدیک ۱۶ درصد رسید. همه اینها زنگ‌های خطری بود که ما با وجود داشتن همه ظرفیت‌های توسـعه پایدار، از آن فاصله گرفتیم. حاصل این شـد که در پیروتق‌نیز موازی دولت و نهادهای گوناگون از بودجه عمومی برخوردار هسـتند و اغلب کارشناسـان دلسـوز و کارآمد، وضعیت موجود را به‌دلیل اخذ ارزش‌ها، نادیده‌گرفتن شرایط احرار مشاغل، انتصابات ناپجا، اولویت رابطه به‌جای ضابطه و... می‌دانند. حضور مسـتمر رؤسای سازمان‌ها در جلسـات گوناگون اغلب تشـریفاتی بوده و امکان مطالعه، برنامه‌ریزی و رسیدگی به وظایف اصلی را از آنان سـلب کرده اسـت و اهمه بازرزی، بی‌تفاوتی کارکنان گرفتـار معاش، یعنی نیروی اصلی بیشـرفت اسـت که دچار روزمرگی شده‌اند. در این شرایط، انتظار وقوع معجزه ساده‌انگاری به‌شمار می‌رود. درهرحـال باید اذعان کرد ارائه راهـحل در جهت تقلیل حجم عظیم نیروی دراختیار و رفع مشـکلات سیسـتم ناکارآمد، حذف تشـکیلات عریض‌وطویل بی‌حاصل و رفع ناهماهنگی‌ها، ابطال تشـکیلات موازی و حجیم، حذف مشاغل کاذب و پست‌های فرمایشی، لغو انتصابات مبتنی بر رابطه بدون شرایط احرار، ابطال مقررات ناقی یکدیگر، ممانعت از تفسیر به رای مقـررات، جلوگیری از پرداخت‌های خـاص و اتخاذ تصمیمات مغایر و موردی، توجیه مسئولان به صورت پاسخ‌گویی، ارزش‌یابی افراد، برقراری سیسـتم تشویق و برکناری، بهبود روش‌ها، به‌روز درآوردن مقررات و موادری از این قبیل، احیای سـازمان امور اداری و اسـتخدامی کشور را ضرورت بخشیده است. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود:

۱- مدت ریاست سازمان در راستای تقویت توان برنامه‌ریزی و پرهیز از اعمال سیاسی (که ورود به آن صحنه ناپایداری در برنامه‌ریزی و ناتوانی در اصلاحـات لازم را به همراه می‌آورد و طبعـا عدم موفقیت در ایفای این وظیفه خطیر حداقل راهورد آن است) پنج سال الزاما تعیین شود.

۲- اقتدار و تسـلط آکاهی‌های اداری، ویژگی‌های فردی، نفوذ کلام، پوشش و ظاهر مناسـب، سوابق مبتنی از هر پیایه و... در انتصابات داخلی این سازمان که جاذب دولتیان و مشـوق همکاری است، با اعتقاد قلبی لحاظ شود.

۳- تمـام مسـئولان و متولیـان نظـام در تمامی سـطوح ملزم به رعایت ضوابط مصوب شـوراهای مرکب از افراد واجد شرایط و صاحب صلاحیت‌های تخصصی مربوط در این سـازمان باشـند تا هماهنگی و بک‌ذواختی لازم در مدیریت کلان کشورمان بعد از سال‌ها مشاهده شود.

۴- افراد خبره غیرسیاسی واجد بصیرت علمی و تجربی، دارای اعتبار و شهرت مطلوب کافی در زمینه مدیریت اداری و انسانی، اگاه، معتقد به هدف، بینشـه و جوینگی عملکرد موفق این سازمان به صورت افتخاری و بازدوخت دعوت به کار شـوند. دارایون عزل مبهمی و همت در مسیر حفظ و ارتقای منافع ملی، حساب‌ده و تأیید آنان به‌وسـیله مطلعان این زمینه، سلامت جسـمی، فکری، تربیتی و علمی‌بخش باعث خواهد شد تا سازمان تقویت شود. همچنین نیروی آزموده با حداقل ۷۰۰ سال سابقه مؤثر، ترجیحا در زمینه مدیریت، به کار سازمان ملحق شوند و بر سیستم مدیریت امور انسانی تمام تشکیلات کشورمان با مفهوم کامل صرفا بر مبنای نظریات کارشناسی به دور از سیاسی‌بازی نظارت کنند.

۵- روش موفق و اثرگذار اتکاءناپذیر سازمان در گذشته‌های دور همراه با مطالعات اتجاهیـنـه و علوم روز در مقولـه روش‌های نوین مدیریت می‌تواند مبنای تصمیمات قرار گیرد.

۶- کارشـناسان ارشـدی که نقش خطیر ارتباطی برای هماهنگی و ایجاد وحدت رویه را با وزارتخانه‌ها سـازمان‌ها و تمامی دسـتگاه‌ها که از بیت‌المال تغذیه می‌کنند، آکاهانه پذیرفته‌اند باید در مراجعات دوره ملزم بازدارنده تشریفاتی مدیریتی به دور از سلیقه شوند.

۷- نظرات کارشناسی مبتنی بر علم روز مورد توجه و رعایت قرار گیرد و در صورت آکاهی از کارشناسان روزآمد سازمان که بازنشسته به صورت محافل در این‌ای مشغولند، به صورت مشاور و بلاعوض استفاده شود.

۸- بودجه سـازمان و تأمین بار مالی برنامه‌ها مشکلی را بیش‌روی مدیریت اجرا نکند. همچنان‌که دسترسی به اینترنت بسرعت با بهبود بسترهای لازم برای ارائه خدمت از راه دور به بهترین شکل مهیا شود.

۹- مرکز مشاوران مدیریت به‌طور گسـترده با هماهنگی و همکاری کامـل وزارتخانه‌ها به برگـزاری دوره‌های لازم آمـوزش ضمن خدمت به‌طور فشرده، با همکاری استادان واقعی درسدرستی، فارغ از انگیزه اخذ مدرک به مطلبی دیگر می‌طلبد، همت گمارد.

ادامه از صفحه اول

«برای من جالب اسـت که ایشـان به قول خودشان از هم هزار و ۱۰ هزار نفر این‌طور دلسوزانه در خانه ملت دفاع می‌کنند آقا چه کناهی کرده؟ یک سند دولتی (پروانه ساختمان) دستش است، ولی این صد هزار ۱۰ هزار نفر چه بدبختی‌ها برای کل ملت ایران ایجاد می‌کنند. ایشان (وزیر مسـکن) نخوانده و نمی‌داند چطور جامع شهر تهران بیش‌بینی چه؟ و اگر با این طرح جامع، سلیقه‌ای برخورد شود، هرکسی بیاید این‌طور دلسـوزی کند که آقا! یک بندخدایی آمده یک سند دولتی گرفته و همین طبقه هم ساخته، حالا بکوییم نساز؟ حالا من حدت ایشان می‌کویم که چه اتفاقی می‌افتد. جناب آقای عبدالعلی‌زاده! طرح جامع شهر تهران حامل اندیشه اندیشمندانی به شرح ذیل است: مهندس شهرساز، مهندس معمار، مهندس عمران، متخصص بهداشت محیط، زیست‌شـناس و جامعه‌شناس؛ همه اینجمع مؤسسه و یک طرح جامع را به وجود می‌آورند. براسـاس این طرح، درباره اکاسـیاست شـهری؛ یعنی کاز، برق و فاضلاب تعیین تکلیف و پیش‌بینی می‌شود. اکر این کار اندیشمندان و متخصصان توسـیه یک آدم که کار اقتصادی می‌کند - من اصلا دنبال اینکه اقتصاد است، صالح است، صادق است... نمی‌رود- می‌کویم می‌خواهد کار اقتصادی بکند، آمده در مکـ‌سازی سرمایه‌داری بکند. ایشـان و یک مسـئولی که نیاز به آن پـول دارد. این دو نفر می‌کویند. آقا! من این‌قدر پول می‌دهم، تراکم می‌خرم. ایشـان هم می‌کویـد بده، چون من به این پول نیاز دارم، برای کار خودم و مطلعم رهبری اعـزام می‌کند که می‌توان را به عنوان یک سـند تاریخی درباره ماهیچه تراکم‌فروشـی محسـوب کند. در قسمتی از اولین اتفاق این است که امنیت زیستی مردم به خطر می‌افتد. تمام مردم به‌هرحال حق دفاع‌ی دارند. شهروند ما حق دارد. ما این حرکـت کنی می‌کنیم که کوچه‌ای که برای صد مترل مسـکونی طراحی شده است و برای‌اساس تأسیسات شهری، آب، برق، گاز، تلفن و فاضلاب به آن داده شـده، بدفهمه بی‌مطالعه به هزار واحد مسـکونی تبدیل شود و درنتیجه همه این شبکه زیاد بـر خواهد خاسـت. اگر سیاسـت‌ها توجه نخکیان را از مسـائل بزرگ‌مقیاس به مقیاس محلی و از درات بنیادی و نانو، به مقیاس بزرگ‌تر؛ یعنی رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها، جلب کند.

متوسـط هیچ‌کاه مطالات علمی بیش از ۱۰ نفر خوانده نداشـته است. نه در ایران بلکه در دنیا. هرچه پژوهشکران در غیر مجلات علمـی - پژوهشـی یـا آی‌اس‌آی بنکارند (چون از سـوی حلقه دانشگاه ارزیابی نشده)، بی‌ارزش اسـت و مطالب امورش عمومی باید تو بدخیش‌ها در حل افزایش اسـت. اکر خوش‌بین باشـیم که متمایل به حوانون آدنها هسـتند. کتاب و مجلات دانشگاهی، کارایی کفتمان علمـی را ندارد. متوسـط تیراژ کتب تخصصی دانشگاهی، حدود ۲۵۰ نسخه اسـت. پروفسـور بیسـاس، دانشمند برجسـته حوزه آب، ضمن اشـاره به موضوعات فوق و البته ایراد خوش‌بینی به آینده پژوهش‌هایی که آب (به‌دلیل نحوش بخش خصوصـی در آن)، به نفع رویکردهای فعلی دانشـگاه‌ها در زمینه تولید علم می‌پردازد و دانشـگاه‌ها را به عرنه نهادی مدرسه‌ای تبدیل می‌کند که بیشـتر درکیر تعقیـب و کویز برای کسـب رتبه‌های جهانی و برتـری علمی هسـتند. اسـاس انتشـار مقالات در مجلات معتبر علمی، هسـتند. بیسـاس می‌کوید: «من ۷۰۰ مقاله علمی و بیش از ۶ کتاب نوشته‌ام؛ مردم کـه هیچ، حتی تا به حال یک نفر از سیاسـیون نیز با من تماس نکرفته و یکوید من مقاله شـما را خوانده‌ام. این ایراد را داشت با خود بود. من شما را به ناهار دعوت می‌کنم!» برآوری که ایشان ارائه می‌دهد، درخور تأمل است: از سال ۲۰۱۴، حدود ۲.۵ درصد مقاله علمی در دنیا چاپ شده است؛ اما در حوزه علوم اجتماعی بیش از ۴۰ درصد از نوشـته‌ها هیچ نقل قولی از آنها نشده است و ما همچنان بایـد به این کار ادامه دهیـم. در زمینه آب، به‌طور همان‌طور که ذکر شد یارادایم پژوهـش در خارج از محیط‌های دانشـگ